

Thematic Analysis of the Obstacles to the Secularization of the Islamic Political System in the Thoughts of Imam Khomeini

Received: 02-06-2021

Accepted: 28-08-2021

Saeed Ghorbani Tazkandi*

Ali Morshedizad**

Mahdi Naderi***

(110-144)

In Imam Khomeini's view, the religion of Islam theoretically and practically meets human needs. Contrary to this idea, there are conflicting views that at the domestic level and in the international system seek to introduce Pure Mohammadi Islam as a purely spiritual religion and to point to the inefficiency of religion in various social spheres, including politics. Imam Khomeini, by accurately recognizing and introducing pure Islam, resisted this kind of conception of religion, and thus prevented the religion of Islam from deviating like Christianity, and customary traditions to enter the social arena instead of religion. Given the importance of this issue, the article tries to answer the question using the method of Thematic Analysis and library studies: What are the obstacles to the secularization of the political system in Islam from Imam Khomeini's point of view? Research findings emphasize that in Imam Khomeini's thinking, obstacles such as correct knowledge of religious principles, avoidance of distortion, and correct and logical interpretation of Islamic principles, following the leadership and active presence of clerics in society, prevent the secularization of the Islamic political system.

Keywords: Pure Mohammadi Islam, Secularism, Imam Khomeini, Secularization, Islamic Government.

* PhD in Political Studies of the Islamic Revolution, and researcher at the Research Institute of Islamic Revolution Studies (Corresponding Author): saeed67110@yahoo.com.

** Associate Professor of Political Science, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran: alimorshedizad@yahoo.com

*** Assistant Professor of Political Science, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. mahdinaderi35@gmail.com.



تحلیل مضمون موانع سکولار شدن نظام سیاسی در اسلام در افکار امام خمینی *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۲

سعید قربانی تازه‌کندی **

علی مرشدی‌زاد ***؛ مهدی نادری ****

(۱۱۰-۱۴۴)

چکیده

در نگاه امام خمینی علیه السلام، دین اسلام برای بعدهای مختلف تئوریک و عملی انسان در جامعه راه حل دارد. در تقابل با این اندیشه، نگاه‌های متعارض وجود دارند که در سطح داخلی و نظام بین‌المللی در صدد هستند اسلام ناب محمدی را دین تک بعدی و صرفاً معنوی معرفی، و از این زاویه به ناکارآمدی دین در عرصه‌های گوناگون اجتماعی از جمله سیاست اقرار کنند. امام خمینی علیه السلام با بینش و شناخت راستین از اسلام اصیل، در مقابل این نوع برداشت از دین ایستادگی کردند و از این طریق مانع شدند دین اسلام همچون مسیحیت دچار انحراف شود و سنن عرفی به جای دین، وارد عرصه‌های اجتماعی شود. باتوجه به اهمیت این مسئله، در مقاله حاضر تلاش این است که با استفاده از روش تحلیل مضمون و مطالعات کتابخانه‌ای، به این پرسش پاسخ داده شود: موانع عرفی (سکولار) شدن نظام سیاسی در اسلام از منظر امام خمینی علیه السلام چه مؤلفه‌هایی اند؟ یافته‌های پژوهشی گویای این است که در تفکر امام خمینی علیه السلام، موانعی چون شناخت صحیح مبانی

* مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان عوامل و موانع سکولار شدن نظام سیاسی در اندیشه امام خمینی، شهید مطهری و آیت الله جوادی آملی است که در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۱۱ در دانشگاه شاهد دفاع شد.

** دانش‌آموخته دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گرایش اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

.saeed67110@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران: alimorshedizad@yahoo.com

**** استادیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران،

ایران: mahdinaderi35@gmail.com

دینی، دوری از تحریف، و تفسیر صحیح و منطقی از مبانی اسلام، تبعیت از رهبری و ولایت فقیه و حضور فعال روحانیان در عرصه‌های مختلف جامعه باعث دور نگه داشتن نظام سیاسی در اسلام از عرفی شدن می‌شود.

واژگان کلیدی: اسلام ناب محمدی، سکولاریسم، امام خمینی^ع، عرفی شدن، حکومت اسلامی.

مقدمه

رهبر حکومت اسلامی از ارکان مهم مطرح شده در اسلام است. رهبر در جمهوری اسلامی در قالب ولایت فقیه تجلی یافته است. یکی از وجوه ممیزی اساسی انقلاب ایران از سایر انقلاب‌ها ماهیت و چگونگی رهبری آن است. بیشتر محققان و پژوهندگان انقلاب اسلامی بر نقش تعیین‌کننده رهبری امام خمینی^ع در این انقلاب که منجر به مبارزه پدیده و طولانی با رژیم حاکم و بسیج توده‌ای بی‌سابقه شد، تأکید کرده‌اند (صباغ جدید، ۱۳۸۶: ۲۵۵).

امام خمینی^ع، بنیان‌گذار نظام اسلامی، با استعانت از دین اسلام توانستند روش و طرح نوین و گفتمانی مبتنی بر اخلاق و معنویت را در عرصه نظام بین‌الملل به وجود آورند. ایشان به عنوان معمار انقلاب، به تحلیل و موشکافی نقش اخلاق در عرصه نظام بین‌الملل پرداختند و توانستند نظامی جدید بر اساس این نگرش ایجاد کنند (وقوفی، ۱۳۹۳: ۲۵۴).

امام خمینی^ع اساس جامعه و نظام سیاسی را طرح‌ریزی کردند که دین و معنویت در آن در رأس قرار گرفت و از پی آن نظامی ایجاد شد که داعیه اصلی آن دین‌ورزی، دین‌داری و به سعادت رساندن انسان معاصر در جهان کنونی است.

آشوب و ناامنی نظام کنونی البته دلیل‌های مختلفی دارد که از جمله آنها در انزوا قرار دادن دین و معنویت از زندگی بشر است. نگاه عمیق امام خمینی^ع در ربع آخر قرن بیستم توانست بار دیگر نگاه انسان‌ها را بر دین و معنویت باز کند و عنایت آنها را به اثرگذاری معنویت و دین بر سیاست‌ورزی فراخواند. در اندیشه سیاسی امام خمینی^ع، سامان‌دهی زندگی سیاسی جامعه اسلامی محور تأسیس نظام سیاسی است و با توجه به اهمیت سامان‌دهی حیات سیاسی و اجتماعی انسان مسلمان در جامعه اسلامی و با هدف فراهم کردن امکانات رشد و تعالی او و با پیش‌فرض‌های برخاسته از دین و اهداف آن به پیش می‌رود (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۵).

اسلام به لحاظ نقش اندیشه و نگرش اسلام‌شناسان یا عاملان به آن، به اسلام ناب و وارونه تقسیم می‌شود. این مطلب در قرآن و تاریخ اهل بیت پیامبر^{علیهم‌السلام} نیز نمود بارزی داشته است. به عبارت دیگر، تاریخ تفکر اسلامی صحنه تلاقی این دو نگرش در حوزه اسلام‌شناسی است. به همین سبب، برای اندیشه دینی نیز می‌توان آفت‌ها و آسیب‌هایی شناخت و ویژگی‌های اسلام ناب و وارونه را شناسایی کرد. امام خمینی^{علیه‌السلام} به‌عنوان بزرگ‌احیاگر تفکر دینی پس از اهل عصمت^{علیهم‌السلام}، به این اصل عنایت خاصی داشته‌اند و اصولاً می‌توان آرمان‌نهایی نهضت فکری و اجتماعی ایشان را احیای اسلام ناب در قلمرو نظر و عمل دانست (یوسفی فخر، ۱۳۹۷).

در این مقاله، با طرح بحث کلی درباره نگاه امام^{علیه‌السلام} به سکولاریسم و جدایی دین از سیاست، موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام بر اساس بیانات ایشان استنباط خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در باب سکولاریسم و زمینه‌های نفوذ آن در جوامع مختلف اسلامی از نگاه روشن‌فکران و محققان داخلی و خارجی کتاب‌هایی نگاشته شده است، ولی پژوهشی رؤیت نشد که به‌صورت منسجم اندیشه متفکران انقلاب اسلامی را در باب زمینه‌های بازدارندگی در قبال سکولاریسم به رشته تحریر درآورده باشد. بنابراین، به‌نوعی نوآوری پژوهش حاضر نیز بررسی نگاه امام خمینی^{علیه‌السلام} درباره زمینه‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از رخنه مبانی سکولاریسم است.

در ادامه به مواردی از مباحث تحت عنوان پیشینه پژوهش درباره موضوع حاضر اشاراتی می‌شود: بریعی (۱۳۹۶) در رساله «بررسی فقهی و حقوقی آثار سکولاریسم»، ضمن بررسی مفهومی سکولاریسم، تلاش کرده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی آثار و پیامدهای عرفی شدن را بر اساس نگاه فقهی و حقوقی تبیین و بررسی کند؛ صفری (۱۳۹۸) در پایان‌نامه بررسی چگونگی بازنمایی جلوه‌های عام و خاص مدرنیته در اندیشه اسلام سیاسی شیعه: مطالعه موردی اندیشه سیاسی امام خمینی^{علیه‌السلام} و مرتضی مطهری، تلاش کرده

است با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، جلوه‌های عام و خاص مدرنیته به‌خصوص بحث سکولاریسم را از منظر امام خمینی^ع و شهید مطهری و اکاوی کند؛ نظری (۱۳۹۹) در رساله «عقل‌گرایی در فقه شیعه و سکولاریسم و تأثیر آن در عرفی شدن»، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی درصدد دستیابی به مفهوم عقلانیت سکولار و کاوش و تبیین آثار آن بر دین و فقه است. در این رساله، عقل‌گرایی از نگاه فقه شیعه بررسی شده و همچنین به تبیین عقل‌گرایی سکولار و تأثیرات مخرب آن در عرفی شدن دین و فقه توجه شده است؛ قدردان قراملکی (۱۳۸۰) در کتابی تحت عنوان سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، زمینه‌های تجلی و ظهور سکولاریسم در غرب را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که به دلیل عملکرد انحرافی و فساد حامیان مسیحیت، سکولاریسم در ابعاد زندگی اجتماعی جای‌گزین مسیحیت شده است. در دین اسلام، به دلیل عدم تحریف در مبانی اصلی چون قرآن، سکولاریسم محلی از اعراب ندارد؛ چون اسلام در زندگی اجتماعی مسلمانان وارد شده است و با استفاده از باب اجتهاد، زندگی آنها را مدیریت می‌کند. تفاوت مقاله حاضر با پژوهش انجام‌شده در این است که در پژوهش حاضر، بر اندیشه امام خمینی^ع در باب موانع عرفی شدن نظام سیاسی تمرکز خواهد شد، که روش به‌کارگرفته‌شده نیز از نوع تحلیل مضمون است؛ امیدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌های سکولاریستی و حیطة عمل حکومت اسلامی»، مفهوم سکولاریسم را در سطوح مختلف آن واکاوی کرده و در ادامه مؤلفه‌های سکولاریسم را واریسی کرده و با سه دیدگاه (الف) اسلام با سکولاریسم سازگار است، (ب) اسلام ملزم به سازگاری با سکولاریسم است و (ج) اسلام در تعارض با سکولاریسم است، به بررسی سکولاریسم در قبال حکومت اسلامی پرداخته و به چالش‌های عرفی حکومت اسلامی توجه کرده است؛ محمدرحیم عیوضی و ولی محمد احمدوند (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «دیدگاه حضرت امام خمینی^ع درباره مبانی سکولاریسم»، نگرش امام^ع در باب سکولاریسم و خصوصاً شدن دین در عرصه حیات انسان را بررسی کرده و نگاه امام^ع درباره عدم دخالت دین در عرصه اجتماعی و محصور شدن آن در بعد فردی صرف را نشان داده‌اند. در یافته‌های پژوهش حاضر حاصل شده که از منظر امام^ع، بین دین و سیاست در اسلام جدایی قابل تصور نیست، و برای نمونه، به آیات

قرآنی و حکومت انبیا اشاره شده است. در مقاله هدف این است که نشان داده شود در اندیشه امام^ع، چاره کار در برابر سکولاریسم چیست؛ در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد سکولاریسم از دیدگاه امام خمینی^ع»، ارتباط بین دین و سیاست و نقش سیاسی اسلام در جامعه اسلامی از منظر امام^ع و اکاوی و تبیین شده و این نتیجه به دست آمده است که در مبانی اندیشه‌ای امام^ع، بین سیاست و دین افتراقی وجود ندارد و سکولاریسم محلی از اعراب در جوامع تابع اسلام ندارد.

در پژوهش حاضر، هدف نقد سکولاریسم نیست، بلکه مقصود پی بردن به زمینه‌های دفع سکولاریسم است.

تیلور (۲۰۰۷) در کتاب خود نظریه‌های مربوط به سکولار شدن را در دو مؤلفه مهم خلاصه کرده است: یکی سکولار شدن همان دنیوی شدن است. در اینجا سکولار شدن یعنی گذر از ساحت قدسی و لاهوتی عالم به ساحت عرفی و ناسوتی. در این مؤلفه پدیده عقلانی شدن ظهور می‌کند؛ یعنی محاسبه سود و زیان، ضرر و منفعت امور قدسی است؛ و دیگری افتراق ساختاری است؛ یعنی ساحت سیاسی و نهاد دین متفاوت‌اند و سکولار شدن به این معناست که نهاد دین وظایف و کارکردهای گوناگون خود را واگذار کرده است. تلاش خواهد شد از این دو نظریه در تشریح رساله بهره‌برداری شود.

نیگل (۲۰۱۰) در کتاب فلسفه سکولار و روحیه دینی، به این مسئله می‌پردازد: «چگونه شخصی می‌تواند بازشناسی کامل ربط و نسبتش با کل عالم را به زندگی فردی خود وارد کند؟» او این مسئله را «پرسش کیهانی» می‌نامد. اگر کسی پاسخ دینی را بپذیرد، دین می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد؛ اما هدف نیگل بررسی و نقد پاسخ‌های غیردینی و سکولار است. در نهایت نتیجه‌گیری نیگل این است که فلسفه‌های سکولار نمی‌توانند پاسخ درخوری به روحیه دینی بدهند.

در مجموع، پژوهش‌های مختلفی در باب سکولاریسم و عرفی شدن در اندیشه متفکران انقلاب اسلامی انجام شده است؛ ولی آنچه مقاله حاضر را از پژوهش‌های به‌تمام‌رسیده سوا می‌کند نوع نگاه مؤلفه‌محور و شاخص‌محور به عرفی شدن و بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون است.

چهارچوب مفهومی و مباحث بنیادین

۱. گونه‌شناسی سیاست در اندیشه امام خمینی

نزد متفکران مسلمان معنای اصطلاحی سیاست عبارت از رهبری و مدیریت جامعه در جهت مصالح مادی و معنوی است. در حاکمیت اسلامی، هدف سیاست تحقق بخشیدن به اصول و ارزش‌های الهی و گرفتن حقوق مردم و پرهیز از ظلم و فساد است. در منابع و متون دینی، واژه سیاست به کرات به کار گرفته شده است. «ساس العباد» از اوصافی است که در زیارت‌ها و دعاها برای ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} وارد شده است. از این رو، تدبیر امر جامعه و اعمال سیاست از خصوصیات رهبران دینی است که به واسطه آن، انسان‌ها در راه هدف خلقت تربیت می‌شوند (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۶).

امام خمینی^{علیه‌السلام} بر اساس باور خویش به جهان هستی و مقام انسان در آن و نقشی که به او داده شده و هدفی که سیاست به دنبال آن است، به قسم‌بندی یا بیان گونه‌های مختلفی از سیاست می‌پردازد و سیاست را به سه قسم سیاست شیطانی، سیاست حیوانی و سیاست الهی تقسیم می‌کنند (فوزی، ۱۳۸۴: ۹۳).

سیاست شیطانی: سیاست شیطانی به بعد منفی مدیریت جامعه اشاره دارد که در آن، نیرنگ و کذب و بهره‌گیری از هر ابزار ممکن جهت دستیابی به هدف جایز شمرده می‌شود. طبیعی است که سیاست به این معنا در اسلام جایگاهی ندارد و رهبران دینی از آن دوری می‌جویند، و به عبارت بهتر، جدایی دین و سیاست به این معنا امری صحیح و منطقی است؛ ولی در فرهنگ اسلامی، سیاست توأمان با تقواست و حاکم اسلامی مزین به ارزش‌های الهی است که همان تقواست (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۸).

امام خمینی^{علیه‌السلام} حکومت‌های مبتنی بر ارزش‌های شیطانی و دیکتاتوری را مردود می‌دانند. از منظر ایشان، حکومت باید بر اساس محورها و مبانی اسلامی طرح‌ریزی شود که انگیزه آن الهی و سعادت بشر است، نه حکومت‌های دیکتاتوری که هدف آنها اغراض شخصی و شیطانی است: «آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند؛ جمع‌آوری ثروت

و مال و قدرت طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۷).

سیاست حیوانی: از منظر امام^ع، سیاست حیوانی انسان را در یک بعد تربیت می‌کند و در یک بعد نیازهای او را برآورده می‌سازد: «اگر فرض کنیم یک فردی پیدا شود که سیاست صحیح [مادی] را اجرا کند، نه به آن معنای شیطانی فاسدش، سیاست [او] اگر صحیح هم باشد، امت را در یک بُعد هدایت می‌کند و راه می‌برد و آن بُعد حیوانی است؛ بُعد اجتماعی مادی است» (همان، ج ۱۳: ۴۳۲).

سیاست اسلامی: از منظر امام^ع، سیاست اسلامی سیاست انبیای الهی است که در آن سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها نهفته است و جوامع اسلامی در صورت عمل به آنها سعادت‌مند خواهند شد: «سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد و هدایت کند به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست، این در روایات ما برای نبی اکرم^ص با لفظ "سیاست" ثابت شده است، و در دعا، در زیارت جامعه، ظاهراً هست که "ساسة العباد" هم هست. در آن روایت هم هست که پیغمبر اکرم^ص مبعوث شد که سیاست امت را متکفل باشد» (همان: ۴۳۱).

کارگزاران سیاست درست از منظر امام خمینی^ع پیامبران و اولیاء و علماء هستند که به دو بعد مادی و معنوی سیاست توجه داشته‌اند. البته ممکن است کارگزاران سیاست درست غیر از این سه طایفه نیز باشند و آن سیاستی است که درست و منطقی اجرا شود و به خیر و مصلحت ملت‌ها باشد (یوسفی فخر، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

۲. دین اسلام و سیاست

ویژگی‌ها و معیارهای سیاست اسلامی در اندیشه امام^ع به این قرار است: ۱. سعادت‌محوری: در اینجا سعادت شامل دو نوع اخروی یا دنیوی است؛ ۲. جامع‌نگری به انسان: نگرش کامل به انسان یا توجه به دو بعد و ساحت اصلی انسان، یعنی جسم و روح یا مادیت و معنویت؛ ۳. درهم‌تنیدگی دنیا و آخرت: در نظر گرفتن توأمان دنیا و آخرت انسان و کوشش در جهت تأمین آن دو؛ ۴. سلطه‌ناپذیری؛ ۵. نزاهت از دروغ و دغل، خدعه و خیانت؛ ۶.

عدالت‌گرایی و قسط‌محوری؛ ۷. استبدادگرایی و دیکتاتورزدایی؛ ۸. عقلانیت و معنویت‌گرایی (رودگر، ۱۳۹۵: ۵۳۸).

امام علیه السلام بیان می‌کنند: «والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد. من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم؛ من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۷۰).

از نگاه امام علیه السلام، اسلام دینی جامع است که برای تمام زندگی بشر در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برنامه دارد. نگاه تک‌بعدی و صرفاً عبادی به اسلام در فلسفه امام جایگاهی ندارد: «خدای تبارک و تعالی برای همه امور قانون و آداب آورده است. برای انسان پیش از آنکه نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آنکه به گور می‌رود، قانون وضع کرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۸۴). در اندیشه امام خمینی علیه السلام، اسلام مال طایفه خاصی نیست: اسلام برای بشر آمده است، نه برای مسلمانان. انبیا و پیغمبر اسلام علیهم السلام نیز برای همه انسان‌ها مبعوث شدند. از این رو، ما برای اسلام و جمهوری اسلامی نهضت کردیم. نهضت برای اسلام نمی‌تواند در یک کشور و حتی کشورهای اسلامی محصور باشد. نهضت برای اسلام همان دنباله نهضت انبیاست. نهضت انبیا برای یک محل نبوده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۴۴۶).

یکی از مسائل مورد تأکید در تاریخ معاصر، پیوستگی و ارتباط دین و سیاست است: دین محدود به یک سلسله مباحث اخلاقی و پند و اندرز نیست، بلکه متفکران اسلامی بر این باورند که دین مجموعه‌ای از قوانین زندگی و برنامه همه‌جانبه و فراگیر است که بر همه بعدهای زندگی سایه افکننده و هدف اصلی آن اقامه قسط و گسستن زنجیرهای اسارت و تأمین آزادی بشر است (نوروزی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام بر پایه اندیشه آمیختگی دین و سیاست استوار است. انقلاب اسلامی و سپس حکومت اسلامی بر اساس همین اندیشه بنا نهاده شده است (ناصری، ۱۳۸۹: ۱۷۸). الگوی نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان الگوی جای‌گزین برای نظام شاهنشاهی، برگرفته از اعتقاد راسخ به اسلام و مذهب

تشیع بود که با تأکید بر دو اصل امامت و عدالت خواهی، از سوی عامه مردم حمایت و پذیرفته شد.

تقریرات امام خمینی^ع در درس‌های خود در نجف که به صورت کتاب ولایت فقیه: حکومت اسلامی منتشر شد، نشان می‌دهد جنبش مذهبی بیش از آنکه جنبشی سیاسی برای سرنگونی نظام فاسد باشد، قیامی الهی و در راستای دعوت پیامبران الهی جهت تعالی و تربیت انسان و اجتماع انسانی بود. براین اساس و مطابق با مبنای نظری اندیشه شیعی و تمرکز رهبری انقلابی در ایران بود که در سال ۱۳۳۰ جریان فکری دینی مقطع سازندگی فردی را سپری، و بخش عظیمی از تلاش خود را مصروف تعلیم و تربیت دینی و معنوی و تربیت شاگردان برجسته کرد.

به این ترتیب، ایجاد یک حرکت فرهنگی برای تربیت افراد به نخستین کارویژه اندیشه انقلابی شیعی تبدیل شد. رویکرد امام خمینی^ع درباره تشکیل حکومت اسلامی و تأکید ایشان بر ضرورت ارتباط میان دین و نظام سیاسی نیز کاملاً بر این اساس استوار بود (نوزانی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). امام خمینی^ع به خوبی درک کرده بودند که بدون در هم شکستن باور و ارزش‌های موجود و فراهم کردن زمینه‌های ذهنی و اخلاقی نو، امکان هیچ تحولی قابل تصور نیست. از آن پس، در همه مباحثی که در این دوران طرح کرده‌اند، موضوع تعریف حداکثری و جامع از دین یکی از محورهای مرکزی نظریات ایشان بوده است. از این رو، در منظر ایشان گستره آمیختگی دین و سیاست صرفاً قرائت سیاسی از دین و تعریف آن در چهارچوب احکام و مقررات ناظر بر روابط انسان‌ها با انسان‌ها در زندگی اجتماعی نیست، بلکه عرصه آن قدر وسیع است که گاهی عبادات محض نیز جنبه سیاسی پیدا می‌کنند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۷۰؛ درخشه، ۱۳۹۰: ۴۴).

در مکتب سیاسی امام خمینی^ع، معنویت با سیاست در هم آمیخته است و این دو با هم دنبال می‌شوند. به همین دلیل، ایشان تعریف خاصی از سیاست دارند. حضرت امام^ع در تعریف سیاست، بر دو مقوله اصلاح و هدایت تأکید می‌کنند. نتیجه این دو مقوله ایجاد تعادل و توازن در جامعه و نابودی فساد و سلطه ناحق و ستمگرانه است.

امام^ع حکومت را وسیله‌ای جهت عملی‌سازی هدف‌های متعالی الهی و بشری و عدالت

اجتماعی می‌دانند. چنین حکومتی مبتنی بر دیانت و با کارکرد گسترده برای تأمین سعادت انسان در دنیا و آخرت است، نه حکومت در معنای غربی آن؛ یعنی محدود ساختن به وظایف خاصی در حوزه روابط مادی انسان‌ها (صدرا و کرم‌زادی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). ایشان اعتقاد به دین حداکثری داشتند که علاوه بر تربیت باطنی انسان، به حفظ مصالح دنیایی می‌اندیشد، دارای دستورها و احکام برای دنیا و آخرت است و می‌تواند به همه نیازهای معنوی و مادی انسان با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی پاسخ دهد (دهشیری، ۱۳۹۱: ۲۱۰).

از نگاه امام^ع، بین سیاست و عبادت نوعی ادغام وجود دارد که انفکاک‌پذیر نیست. مناسبت‌های اسلام نیز صرفاً جنبه سیاسی ندارد، بلکه نوعی آمیختگی بین دین و سیاست بر آن حاکم است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۴۷).

امام^ع عامل موفقیت و پیروزی ملت و عامل سعادت جامعه اسلامی را مبانی و محورهای اسلامی می‌دانند. همچنین، عامل دفع نظام استکباری و جلوگیری از سلطه جهان استعماری بر جهان اسلام را مبانی اسلامی می‌دانند. به همین سبب است که دشمن در پی آن است که علما را از ملت جدا کند تا زمینه برای استحاله اسلام فراهم شود:

این است که آن که اسلام را می‌تواند نقش بدهد در دنیا، آن که می‌تواند اسلام را در دنیا ابراز کند و ترویج کند، از دست مردم گرفته بشود. اسلام کم‌کم گرفته بشود. اساس اسلام است. اساس این طرف هم اسلام، اساس دشمنی هم با اسلام است. هر دویشان این طوری است. اینکه شما گفتید که علما نقش داشتند، آیا بعداً نقش دارند؟ علما نقششان این است که هدایت کنند و مردم را راه ببرند و کوشش شده بود به اینکه علما را منعزل کنند از ملت؛ یعنی دین را از سیاست جدا کنند. دین را بگذارند کنار، سیاست را بگذارند کنار. اسلام دین سیاست است اصلش (همان، ج ۱۱: ۴۶۲).

در حوزه سیاست، سعی و تلاش امام خمینی^ع آن است که با تفکراتی نظیر «سیاست یک‌سره خدعه و نیرنگ است» یا «سیاست امری است دنیوی و مذموم که مسلمانان و روحانیان نباید خود را بدان آلوده سازند» یا نهایتاً اینکه «اسلام یک‌سره عبادت است؛ دین از سیاست جداست و هر یک از این دو متخصص مربوط به خود را می‌خواهد و علمای دینی

صلاحیت لازم برای دخالت در آن را ندارند» به مبارزه بپردازند. امام علیه السلام همواره مسلمانان را به هوشیاری در این امر دعوت می‌کنند و می‌کوشند آنان را از غفلت در این مسئله آگاه سازند. ایشان تأکید می‌کنند که در اسلام حقیقی و راستین، دین از سیاست جدا نیست (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۰).

امام علیه السلام در مصاحبه‌ای که با روزنامه‌ی تایمز صورت گرفت، بین رهبری مذهبی و رهبری سیاسی تناقضی قائل نشدند. از منظر امام علیه السلام، مبارزه‌ی سیاسی و هدایت مبارزات سیاسی نیازمند رهبر دینی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۸۹).

در بینش امام خمینی علیه السلام، فلسفه‌ی ظهور و تجلی اسلام بر این سبب است که زندگی انسان را در ابعاد مختلف آن تحول بخشد و روند فکر و عمل انسان را در زندگی فردی و اجتماعی تنظیم کند: «اسلام به این منظور به وجود آمد که به انسان ابعاد واقعی و شأن انسانی اعطا کند؛ یعنی انسان را از نظر زندگی اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بخشد و به غنای روحی انسان یاری دهد. اسلام قادر به ایجاد چنین تحولی هست. قوانین اسلام به نیازهای انسان پاسخ می‌گویند. این قوانین بسیار صریح و روشن هستند» (همان، ج ۴: ۲۴۲).

از نگاه امام علیه السلام، فلسفه‌ی بعثت پیامبران الهی برای سعادت دنیوی و اخروی بشر است و اسلام بعد معنوی صرف نیست. از متن اسلام حکومت اسلامی شکل می‌گیرد که در دنیا و آخرت مطرح است: «اسلام دین سیاست است قبل از اینکه دین معنویات باشد. اسلام همان طوری که به معنویات نظر دارد و همان طوری که به روحیات نظر دارد و تربیت دینی می‌کند و تربیت نفسانی می‌کند و تهذیب نفس می‌کند، همان طور [هم] به مادیات نظر دارد و مردم را تربیت می‌کند در عالم که چطور از مادیات استفاده کنند» (همان، ج ۶: ۴۶۷).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی، تشکیل حکومت دادند تا جامعه‌ی بشری را در جهت اهداف الهی به سعادت برسانند. این نگاه به سیاست نشان از این دارد که قرآن شامل اهداف سیاسی و اقتصادی است و جدایی دین از سیاست در منظومه‌ی فکری اسلام جایگاهی ندارد. اسلام سد راه پیشرفت بشر نیست، بلکه از نگاه امام علیه السلام، اسلام به دنبال این است که انسان به دور از مفسد اخلاقی و عوامل انحطاط در روند رشد و تعالی قرار گیرد (همان، ج ۲۱: ۴۰۶).

در دیدگاه امام خمینی^ع، مسئله افتراق دین از سیاست در مبانی قرآنی و سنت یا در اسلام جایگاه و خاستگاهی ندارد و ورود آن در جهان اسلام نوعی بدعت محسوب می‌شود، که تحت تأثیر عوامل گوناگون وارد اسلام شده و پدیده‌ای غیراسلامی است. در این میان، مهم‌ترین عامل معتقد به این جدایی، عناصر درون‌دینی چون روحانیان مقدس مآب و بی‌خبر از اسلام بوده‌اند. اینان اسلام را به گونه دیگری، غیر از آنچه در حقیقت است، معرفی و شکلی ناقص از دین را ارائه می‌کنند تا از این طریق، خاصیت سیاسی و انقلابی را که جزء حقیقی اسلام است، از آن جدا کنند و اجازه ندهند مسلمانان در تلاش و نهضت و جنبش باشند.

از نظر امام^ع، انفعال روحانیان و حوزه‌های علمیه در برابر حکومت جور، خصوصاً در دوران پهلوی، از آثار سوء «پذیرش جدایی دین از سیاست» و بی‌محللی به مسائل سیاسی بود (حسینی، ۱۳۹۲: ۴۰). به باور امام^ع، «وضع این است که باید روحانی فقط بنشینند و دو رکعت نماز بخوانند و برود منزلش و همان جا چرت بزند تا دوباره وقت نماز دیگر بیاید. اینها همه تبلیغاتی بوده است که در طول مدت از آن‌وقتی که اسلام تولد پیدا کرد و قدرت پیدا کرد به دست خلفای اموی و عباسی و بعد هم به دست حکومت‌های مرتجع و بعد هم به دست قدرت‌های بزرگ این مسائل شده است که اسلام را منزوی کنند و منزوی کردند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۵۲). در اندیشه امام خمینی^ع، جدایی دین از سیاست را کشورهای استعماری رواج دادند تا به واسطه آن، بین دو فرقه عالم دینی و غیر آن جدایی بیندازند؛ زیرا در صورت اتحاد گروه‌های مختلف، آنها نمی‌توانند به منافع خویش دست یابند (همان، ج ۶: ۲۰۲).

۳. سکولاریسم و آموزه‌های دینی

حضرت امام^ع با عنایت خداوند و با پشتیبانی امت مسلمان ایران و تلاش‌ها و مجاهدت‌های اصحاب و یارانشان، انقلابی عظیم در ایران و تحولی ژرف در جهان معاصر بر پا کردند و نظامی نو بر پایه «معیارها و ارزش‌های الهی» بنا نهادند. اصل و اساس مبارزه و قیام حضرت امام^ع از ابتدا «برچیدن نظام طاغوتی» و «جای‌گزین کردن نظام اسلامی» و «احیای ارزش‌های اصیل» آن بود؛ ارزش‌هایی که در طی قرن‌های متمادی به وسیله دشمنان اسلام به فراموشی سپرده شده و ضد ارزش‌ها جای آنها را گرفته بود.

رهبر کبیر انقلاب با اطلاع و آگاهی کامل از ترفندهای دشمنان در طول تاریخ اسلام در محو آثار اسلامی در همهٔ زمینه‌ها، به مقابله با آن پرداختند و در طول مبارزات پیگیر خویش، ضمن بیان ارزش‌های واقعی اسلام و شناساندن آنها به مردم و تلاش در جهت پایه‌گذاری آنها، عملاً بر انحرافات که دیگران آنها را ارزش تلقی می‌کردند، خط بطلان کشیدند (ورعی، ۱۳۷۸: ۲۲۵). آنچه در جامعهٔ ایران در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و به تبع آن در جهان اسلام اتفاق افتاد، نقطهٔ مقابل داده‌ها و رخدادهای موجود در غرب، و به معنای کارکرد سیاسی و اجتماعی قائل شدن برای دین است. در جریان رخداد انقلابی مردمی، گسترده و مبتنی بر دین اسلام در ایران، اسلام در عمل وارد فضای کلی کشور شد و ادارهٔ جامعه و قانون اساسی بر اساس مبانی اسلام پی‌ریزی شد (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶۱). از انحرافات که در نگاه امام علیه السلام پیش روی انقلاب و جمهوری اسلامی قرار دارد، عرفی شدن نظام سیاسی در جامعهٔ اسلامی است.

۴. فقدان جایگاه سکولاریسم در آموزه‌های اسلامی

اندیشهٔ سیاسی امام علیه السلام مبتنی بر پایه‌هایی همچون «نظریهٔ ولایت»، «اسلام ناب»، «آمیختگی دین و سیاست»، «دین‌باوری» و «وحدت مسلمانان تحت لوای کلمهٔ توحید» قوام دارد و خاستگاه امت در اندیشهٔ ایشان متأثر از موضوعاتی همچون هویت اسلامی، فرهنگ انتظار، وحدت اسلامی، ظلم‌ستیزی و حق‌گرایی و واقعیات اجتماعی شکل گرفته است (پرتو و فیض، ۱۳۹۵: ۵۹۳). امام علیه السلام سکولاریسم یا جدایی دین از سیاست را زائیدهٔ تمدن غرب می‌دانند که در آنجا شکل گرفت و سپس به سایر جوامع غیرغربی و از جمله کشورهای اسلامی وارد شد.

از نظر امام علیه السلام، طرح سکولاریسم در جوامع اسلامی توطئهٔ حساب‌شدهٔ غرب برای تحریف دین اسلام و سلطه بر این جوامع است. غرب با تبلیغات منفی خود این‌گونه وانمود کرده است که اسلام دین جامع و کاملی نیست؛ دین حیات نیست؛ نحوهٔ حکومت‌داری و قوانین حکومتی را نیاورده است؛ اسلام فقط احکام حیض و نفاس و احکام اخلاقی است و دربارهٔ زندگی اجتماعی و ادارهٔ جامعه، مطلب مفیدی ارائه نداده است (طاهری بنچناری،

۱۳۸۸: ۱۲۸). امام خمینی رحمته ضمن بیان متفاوت بودن معنا و عملکرد مذهب در فرهنگ اسلامی، مذهب را یک رابطه شخصی بین انسان و خدا نمی‌داند، بلکه آن را دارای سیستم جامع و نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌داند که برای تمام شئون و بُعدهای گوناگون حیات انسان نقشه و برنامه دارد (عیوضی و احمدوند، ۱۳۸۸: ۱۰۸). از نگاه امام رحمته، مذهب مسیح توسط نظام‌های استعماری و بر اساس اغراض و نفسیات بشری دچار تحریف شده است و دین فعلی مسیحیت دین حضرت عیسی نیست، که در آن انسان از مسائل گوناگون از جمله سیاسی به دور باشد و دین مسیحیت در آن دخالتی نداشته باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۴۶۳).

امام رحمته بین اسلام و مسیحیت مقایسه‌ای را انجام داده‌اند، و اسلام را برخلاف مسیحیت ارتباط صرف بین خدا و مخلوق نمی‌داند، بلکه از منظر ایشان، اسلام برنامه زندگی فردی و اجتماعی بشر است: «گمان نشود اسلام مثل مسیحیت هست: فقط یک رابطه معنوی ما بین افراد و خدای تبارک و تعالی است و بس. اسلام برنامه زندگی دارد؛ اسلام برنامه حکومت دارد» (همان، ج ۲: ۳۰). بر اساس بیانات امام رحمته، یکی از عوامل مهم ظهور و نشر سکولاریسم استعمار است:

مع الأسف تاکنون دست خیانت استعمار، به وسایل مختلفه، فاصله عمیق بین طبقه جوان و مسائل ارجمند دین و قواعد سودمند اسلام ایجاد نموده، طبقه جوان را به روحانیین و اینها را به آنها بد معرفی نموده و در نتیجه وحدت فکری و عملی از بین رفته و راه را برای مقاصد شوم اجانب باز نموده است؛ و تأسف بیشتر آنکه همین دستگاه‌های مرموز نگذاشته‌اند طبقه تحصیل کرده به احکام مقدسه اسلام، به خصوص قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن توجه کنند، و با تبلیغات گوناگون وانمود نموده‌اند که اسلام جز احکام عبادی، مطلبی ندارد؛ در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن بیشتر از مطالب عبادی آن است (همان: ۲۵۵).

روش‌شناسی: تحلیل مضمون

تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی تفصیلی و غنی تبدیل می‌کند. روش مذکور از شمارش کلمات و عبارات ظاهری

فراتر می‌رود و جهت شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی متمرکز می‌شود. سپس از کدهای مضامین اصلی جهت تحلیل عمیق داده‌ها بهره‌برداری می‌شود. از فراوانی نسبی مضامین می‌توان جهت تطبیق و مقایسه آنها و ایجاد ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین در تحلیل مضمون استفاده کرد. اگرچه انعطاف‌پذیری مزیت تحلیل مضمون است، می‌تواند عیب داشته باشد؛ زیرا راهنمایی‌های خاصی جهت تحلیل‌های سطح بالاتر نمی‌دهد. از این جهت، محقق اغلب به ناچار خود تصمیم می‌گیرد که به چیزی در داده‌ها متمرکز شود. عیب دیگر تحلیل مضمون در قیاس با روش‌های تحلیل کیفی دیگر این است که برخلاف روش‌های شرح حال‌نویسی یا تحلیل روایت، محقق حالت استمرار و تناقض موجود میان داده‌ها را نمی‌تواند حفظ کند و ممکن است این ناهمخوانی‌ها و تناقض‌های میان داده‌ها نشان داده شود. بنابراین، برخلاف روش‌های تحلیل گفتمان یا تحلیل محتوا، تحلیل مضمون ساده به پژوهشگر اجازه نمی‌دهد درباره زبان به کارگرفته شده در متن ادعایی داشته باشد. تحلیل مضمون به روش‌های مختلفی قابل استفاده و اجراست (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۴).

مرحله‌ی تحلیلی	گام	اقدام
الف) تحویل یا خرد کردن متن	گام اول: کدگذاری	تهیه یک چارچوب کدگذاری تجزیه متن به پاره‌گفتارها یا استفاده از چارچوب کدگذاری
	گام دوم: شناخت مضامین	انتزاع مضامین از پاره‌گفتارها تصحیح مضامین
ب) کاوش متن	گام سوم: ساختن شبکه‌های مضمونی	منظم کردن مضامین یافتن مضامین پایه‌ای بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان‌دهنده استخراج مضمون (مضامین) فراگیر ترسیم شبکه (های) مضمونی بازبینی و تصحیح شبکه (های) مضمونی
	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	توصیف شبکه اکتشاف شبکه
	گام پنجم: خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی	
ج) یکپارچه‌سازی اکتشاف‌ها	گام ششم: توصیف الگوها	

شکل شماره ۱. ساختار شبکه مضمونی (همان: ۵۷)

جهت پایایی روش تحلیل مضمون درباره موضوع عرفی شدن در اندیشه امام خمینی^{علیه السلام}،

نگارنده پس از استخراج کدهای عام از متون مد نظر، پس از گذشت سه هفته، دوباره به متون اولیه رجوع و کدهای عام را استخراج کرده است و به دلیل اینکه بیش از نود درصد کدهای استخراج شده در این دو مرحله تشابه داشته‌اند و برداشت متمایزی صورت نگرفته، پژوهش دارای روایی لازم برای ارائه مطلب است. درضمن، بررسی اندیشه‌های متفکران مسلمان نیازی به مراجعه به آرای خبرگی ندارد؛ زیرا متون آنها از اتقان نظری و روایی برخوردار است.

مراحل روش تحلیل مضمون

۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه‌ای

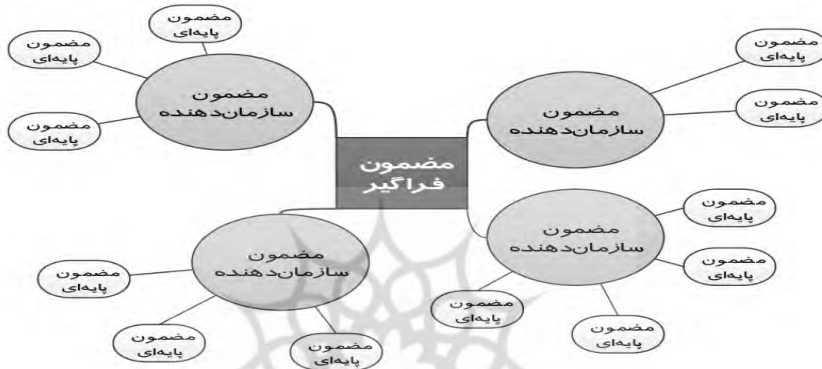
برای شروع کار تحلیل مضامین در اندیشه متفکران لازم است مضمون‌های پایه استخراج شود، و نخستین مرحله تحویل متن است. در این مرحله، نقل قول‌های مربوط به امام خمینی^ع درباره موانع عرفی شدن حکومت اسلامی استخراج می‌شود. این مضامین در کدهایی سازمان‌دهی می‌شوند که با عنوان مضامین پایه‌ای شناخته می‌شوند. این مضامین برای شکل‌گیری مضامین فراگیر لازم هستند و اگر روند استخراج کدها و مضامین عام به خوبی انجام نشود، بستر استخراج مضامین فراگیر فراهم نمی‌شود. نقل قول‌های استخراج شده از متن آثار متفکر مدنظر، مطالبی را مستقیماً به ذهن متبادر می‌کند که با استخراج مضامین این نقل قول‌ها، بسترهای ورود به مرحله دوم فراهم می‌شود.

۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

در مرحله دوم تحلیل مضمون، مضامین پایه‌ای به مضامین فراگیر تبدیل می‌شوند. در این مرحله، مضمون‌های سازمان‌دهنده از مضامین استخراج شده از مرحله تحویل متن نیز انتزاع می‌شوند. اقدام اساسی در این مرحله، سازمان‌دهی مجدد مضامین اولیه برای ارائه مضامین انتزاعی‌تر است که فرصت دستیابی به مضامین اصلی و فراگیر را فراهم می‌آورد. مضامین فراگیر نیز نسبت به مضامین مرحله اول اصلی، مرکزی و جامع‌تر است و امکان توصیف شبکه مضامین را فراهم می‌آورد.

۳. کشف و توصیف شبکه مضامین

پس از استخراج مضامین پایه و فراگیر در مرحله اول و دوم تحلیل مضمون، فضای لازم برای توصیف و تشریح مضامین مربوط به موانع عرفی شدن حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی^ع فراهم می‌شود. با بررسی مضامین استخراج‌شده و کدگذاری‌های لازم، شبکه مضامین تشریح و توصیف می‌شود. در انتهای این مرحله، مجموعه مضامین مندرج در جدول‌های تحلیل مضمون به صورت تحلیلی و نمودار شاخص شبکه مضامین ارائه می‌شود.



شکل شماره ۲. ساختار شبکه مضمونی (همان: ۵۵)

تحویل متن و استخراج مضامین پایه

در این بخش، متون امام خمینی^ع در باب موانع عرفی شدن نظام سیاسی بررسی، و مضامین پایه در جدول استخراج می‌شود تا بسترهای شکل‌گیری مضمون‌های سازمان‌دهنده فراهم شود. به دلیل حجم بسیار متون بررسی‌شده، در این بخش صرفاً بخشی از تحویل متون ارائه می‌شود تا از افزایش حجم رساله جلوگیری شود.

جدول شماره ۱. تحویل متن و استخراج مضامین پایه موانع عرفی شدن در اندیشه

امام خمینی^ع

مضامین پایه	نقل قول	ردیف
قرآن کریم برای تمام جنبه‌های زندگی برنامه دارد.	البته قرائت قرآن و حاضر بودن قرآن در تمام شئون زندگی انسان از امور لازم است، لکن کافی نیست.	۱
باید قرآن از مهجوریت خارج شود.	قرآن باید در تمام شئون زندگی ما حاضر باشد.	

<p>باید آموزه‌های دینی به‌خوبی ترویج شود.</p>	<p>اسلام‌شناس کسی است که این دو مطلب را، این دو جبهه را، هم جبهه معنوی را بشناسد هم جبهه ظاهری را؛ یعنی هم اسلام را بشناسد به آن جهات معنوی که دارد، و هم اسلام را بشناسد به این جهات مادی که دارد. کسی که اسلام را بخواهد بشناسد، باید به این جور بشناسد؛ یعنی آیات و روایاتی و احکامی که وارد شده است.</p>	<p>۲</p>
<p>باید اسلام راستین را شناسایی کرد و ملت را بیدار ساخت.</p>	<p>اسلام واقعی را بشناسند و بشناسانند. ملت اسلام را بیدار و آگاه ساخته، تبیین اسلام پیغمبر خدا ﷺ و اولیای او را از اسلام ساختگی امثال معاویه و حکومت‌های غاصب و جائز دولت‌های دست‌نشانده استعمار به آنان برسانند.</p>	<p>۳</p>
<p>جامعه برای تحول نیازمند پابندی به معنویات است.</p>	<p>مادامی که این ملت این حالی که الآن دارند که توجه به معنویات تا یک حدودی، و این جوان‌های ما توجه به معنویات دارند و این تحول عظیم پیدا شده است در آنها که شهادت را با جان و دل می‌خرند، مادامی که این محفوظ است، این جمهوری اسلامی محفوظ است و هیچ‌کسی نمی‌تواند به او تعدی کند.</p>	<p>۴</p>
<p>حفظ معنویت باید در تمام نهادها و ارگان‌های حکومت رعایت شود.</p>	<p>در مجلس ما، در ارگان‌های دولتی ما، در مجاهدین ما، در ارتش ما، در قوای مسلحه، در قوای قضائیه باید این معنویت محفوظ بماند؛ توجه به خدا محفوظ بماند.</p>	<p>۵</p>
<p>قدرت ایمان عامل بسیج عمومی ملت در برابر دشمنان اسلام است.</p>	<p>این قوه ایمان است که مردم را سرتاسر ایران بسیج کرد. این دست غیبی الهی بود که مردم ایران را سرتاسر از بچه دبستانی تا پیرمرد بیمارستانی، با هم هم‌صدا و با هم هم‌مقصد کرد. قدرت ایمان، قوه اسلام، قدرت معنوی ملت این پیروزی را به ما ارزانی داشت.</p>	<p>۶</p>
<p>خودباوری و اتکا به درون جامعه لازمه پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.</p>	<p>ما باید این را نفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ‌کس کم نداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم، باید این «خود» گم کرده را پیدا کنیم و این فکر که بر ما تحمیل</p>	<p>۷</p>

<p>خودباوری رمز از بین بردن دشمنان اسلام است.</p>	<p>شده بود که «اگر دست خارج کوتاه شود، می‌میریم» را با تمام قدرت از بین ببریم؛ و دیدید که ملتی با دست خالی در مقابل ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها ایستاد و این حرکت موجی برداشت که به امید خدا، به این زودی‌ها نمی‌ایستند.</p>	
<p>امید به خدا و ایمان به وعده‌های الهی عامل پیروزی بر دشمنان است.</p>		
<p>تحول روحی و درک شخصیت فردی و جمعی لازمه تعالی است.</p>	<p>ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمان‌ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان هم کار انجام بدهند، تا نخواهیم یک کاری را نمی‌توانیم و تا بیدار نشویم، نمی‌خواهیم.</p>	۸
<p>فرهنگ اسلامی توانمندی لازم برای اصلاح امور را دارد و این تحول در برابر غرب، عامل موفقیت است.</p>	<p>شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین فرهنگ، مترقی‌ترین فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند، دستش را پیش غرب دراز نکند.</p>	۹
<p>تحول درونی گام نخست در مسیر پیشرفت‌هاست.</p>	<p>اول باید خودتان را درست کنید؛ اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم. این قدرت در همه افراد بشر بقوه هست. اگر این باور برای شما پیدا شد، موفق خواهید بود.</p>	۱۰
<p>تحول روحی عامل نابودی استبداد و ظالم در نظام دینی است.</p>	<p>یک تحول روحی پیدا شده بود از برای همه قشرها که آن تحول خیلی اهمیت داشت، و به نظر من، آن تحول روحی که برای ملت حاصل شد از آن تحولی که ایجاد کردند و رژیم را بیرون کردند، آن اهمیتش بیشتر است.</p>	۱۱
<p>تحول روحی عامل شکل‌گیری انسان مجاهد انقلابی و اسلامی است.</p>	<p>اینها متحول شدند: انسان عشرتکده‌ای متحول شد به انسان مجاهد اسلامی؛ انسان شهوت‌ران متحول شد به انسان عاشق موت؛ و این عشق به موت است که تمام</p>	۱۲
<p>تحول روحی لازمه تعالی ارزش‌های انسانی در جامعه دینی است.</p>	<p>مسائل اسلام را دارد حل می‌کند. علاج این است که مردم را آگاه کنید و متحول کنید، دعوت کنید به تقوا، دعوت کنید به ارزش‌های انسانی.</p>	
<p>انقلاب درونی و خودسازی عامل</p>	<p>انقلاب درونی این ملت موجب شد که این انقلاب پیدا</p>	۱۳

<p>پیروزی نهضت اسلامی ملت ایران شد.</p>	<p>شد و همان انقلاب درونی آنها و شناخت آنها از اسلام و توجه آنها به خدای تبارک و تعالی موجب شد که در تمام این دوره‌ای که ما در آن هستیم، از اولی که قیام شد و بعد به انقلاب مبدل شد و بعد پیروز شد و تا الآن، روزبه‌روز می‌بینید که حضور ملت و تعهد ملت رو به افزایش است. این نه برای انقلاب است؛ برای انقلاب درونی است.</p>	
<p>تحول عمومی عامل پیروزی جریان حق بر باطل خواهد بود.</p>	<p>باید انقلاب باطنی بکنیم. باید نفوسمان هم منقلب بشود. اگر تا حالا در تحت سلطه شیطان و طاغوت بوده است، متحول بشویم و بیرون برویم از این پوشش شیطانی به پوشش رحمانی.</p>	<p>۱۴</p>
<p>تحجرگرایان در حوزه‌های علمیه نفوذ کرده‌اند.</p>	<p>امروز عده‌ای با ژست مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست.</p>	<p>۱۵</p>
<p>جریان نفوذ توسط افراد منافق در حوزه‌های علمیه عامل فشار بر جریان اسلام ناب است.</p>	<p>یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است؛ هرگز. ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست.</p>	<p>۱۶</p>
<p>مقدس‌مآبان و نفاق عامل شکست نظام دینی است.</p>	<p>از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم‌زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید.</p>	<p>۱۷</p>
<p>نفاق عامل خیانت به نظام اسلامی است.</p>		
<p>سازندگی روحی و معنوی از ملزومات سازندگی مادی و اجتماعی است.</p>	<p>کشور ما و ملت ما احتیاج به سازندگی دارد. سازندگی‌های روحی مقدم بر همه سازندگی‌هاست. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد کنند، که این جهاد منشأ همه جهادهایی است که بعد واقع می‌شود.</p>	<p>۱۸</p>
<p>اصلاح جامعه در نخستین مرحله به اصلاح فردی و مبارزه با جهاد با</p>	<p>اگر انسان‌ها توجه به خودشان داشته باشند، جهاد نکرده باشند با شیطان خودشان، اینها واحد واحدهایی هستند</p>	<p>۱۹</p>

<p>نفس نیاز دارد.</p>	<p>که علاوه بر اینکه نمی‌توانند اصلاح جامعه را بکنند، فساد هم در جامعه می‌کنند. همه فسادهایی که در عالم واقع می‌شود، برای این است که آن جهاد واقع نشده؛ آن جهاد اکبر واقع نشده.</p>	
<p>قیام برای خداوند و مقابله با هوای نفسانی نیازمند خودسازی است.</p>	<p>باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید. خود ساختن به اینکه تبعیت [کنید] از احکام خدا: هرچه فرموده است اطاعت؛ هرچه فرمود نه، نه؛ هرچه فرمود آره، آره. وقتی این طور شد، یک مرتبه، یک مرتبه پیدا شد یک مرتبه‌ای که از برای انسان باید باشد. اگر این کار این طور بشود که هرچه فرمود نه، نه و هرچه فرمود آره، آره شد، و این تابع اراده حق تعالی شد که هرچه فرموده است می‌کنم، هرچه فرموده است نکن نمی‌کنم، این از انسانیت یک «مرتبه» پیدا شده. مراتب دیگر هم زیاد است؛ و اگر این مرتبه از انسانیت هم پیدا شد که من کارم کاری شد که برای خدا این کار را می‌کنم، شکست دیگر در آن نیست. کاری که برای خداست، شکست در آن نیست.</p>	<p>۲۰</p>
<p>افراد برای توسعه فردی نیاز به قیام لله دارند و باید از طریق پاک‌سازی خود، قوام فردی و جمعی را تضمین کنند.</p>	<p>قیام کنید و برای خدا قیام کنید؛ قیام فردی در مقابل جنود شیطانی باطن خودتان، و قیام همگانی در مقابل قدرت‌های شیطانی. اگر قیام و نهضت، الهی و برای خدا باشد، پیروز است.</p>	<p>۲۱</p>
<p>نهضت اسلامی تأکید بر حضور اسلام در همه بخش‌های اجتماع و حکومت دارد.</p>	<p>ما حفظ اسلامیت این نهضت را بکنیم. این نهضت از اولش اسلامی بود و تا اینجا هم اسلامی هست و ان‌شاءالله تا آخر هم اسلامی باشد. اگر این محفوظ بماند، آسیب دیگر نمی‌بینند.</p>	<p>۲۲</p>
<p>اخلاص در پیوند با وحدت عامل پیشرفت روزافزون نظام دینی است.</p>	<p>ملت ما تا این وحدت کلمه را دارند و تا این اخلاص را به اسلام دارند، این اخلاص به اسلام که خودشان را فدایی برای اسلام می‌کنند و اسلام را همه چیز خودشان می‌دانند، تا این معنا محفوظ است، ما باید مطمئن باشیم که پیروزیم، و ما همه باید این معنا را حفظ بکنیم.</p>	<p>۲۳</p>
<p>باید به احکام و فرمان‌های اسلام در</p>	<p>با رأی به جمهوری اسلامی آرمان‌های اسلام تحقق پیدا</p>	<p>۲۴</p>

<p>بخش‌های مختلف حکومت احترام گذاشت.</p>	<p>نمی‌کند. دنبال این رأی، عمل باید باشد: باید یکی یکی احکام شرع در خارج تحقق پیدا کند.</p>	
<p>تربیت گام نخست در اصلاح جامعه است.</p>	<p>هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است. چنانچه خود انسان تربیت نشود، نمی‌تواند دیگران را تربیت کند.</p>	<p>۲۵</p>
<p>دوری از تربیت دینی و انسانی عامل دور شدن جامعه از اهداف و آرمان‌هاست.</p>	<p>آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست باشد و از قلبمان شروع کنیم؛ مغزمان شروع کنیم.</p>	
<p>تربیت الهی-انسانی لازمه سعادت فرد و اجتماع است.</p>	<p>انسان اگر تربیت بشود، آن تربیتی که کتاب‌های الهی، قرآن کریم، آن تربیت را متکفل شده است، اگر ما تربیت بشویم به تربیت‌های قرآنی، بالاترین موجود در کمال خواهیم شد.</p>	<p>۲۶</p>
<p>تربیت قرآنی لازمه تعالی نظام اسلامی است.</p>		
<p>تربیت صحیح موجب کمال افراد خواهد بود.</p>		
<p>اصلاح فرهنگ برای تعالی جامعه اسلامی لازم است.</p>	<p>راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود؛ برای اینکه از فرهنگ است که در وزارت‌خانه‌ها می‌رود؛ از فرهنگ است که در مجلس می‌رود؛ از فرهنگ است که کارمند درست می‌شود.</p>	<p>۲۷</p>
<p>ترمیم فرهنگ عمومی جامعه در بخش‌های گوناگون به پیشرفت دین کمک شایانی می‌کند.</p>		
<p>امر به معروف و نهی از منکر راهبرد اصلاح نظام دینی است.</p>	<p>امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام که همه چیز را می‌خواهد اصلاح کند؛ یعنی با این دو اصل می‌خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح بکند. به همه مأموریت داده، به همه، به تمام افراد زیر پرچم مأموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح و جلوگیری کنید از کارهای فاسد.</p>	<p>۲۸</p>
<p>امر به معروف و نهی از منکر به مثابه اصلی راهبردی بر همگان واجب است.</p>	<p>امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمین واجب است. جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین واجب است.</p>	<p>۲۹</p>

<p>جلوگیری از فساد در جامعه امری لازم است.</p>	<p>شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاه‌های اجرایی است امر به معروف کنیم؛ و اگر اشخاصی پیدا می‌شوند که خلاف می‌کنند، معرفی کنیم به مقاماتی که برای جلوگیری مهیا هستند.</p>	<p>۳۰</p>
<p>امر به معروف و نهی از منکر حتی در دستگاه‌های اجرایی هم اصلی لازم است.</p>		
<p>اسلامی‌سازی از ملزومات تشکیل جامعه دینی است.</p>	<p>از مهمات مسئله این است که اولاً اسلامی بشود همه چیز، و ظواهر اسلام باید در آنجا حکم فرما باشد. اینکه بعضی‌ها عقیده دارند که حالا ظواهر را کار نداشته باشیم و برویم سراغ مکتب، اینها برخلاف اسلام است. آن چیزی که هست این است که باید ظواهر در این پادگان‌های ارتشی و در آن مراکزی که شما هستید و پاسدارها هستید، ظواهر باید محفوظ باشد.</p>	<p>۳۱</p>
<p>ظواهر اسلام باید در نهادها و مراکز گوناگون جامعه مورد توجه باشد.</p>		
<p>دانشگاه مبدأ تحولات معنوی و مادی در جامعه است.</p>	<p>دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه، چه دانشگاه علوم جدیده، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد. دانشگاه را باید جدیت کرد. جدیت بکنید دانشگاه را درستش کنید؛ دانشگاه را اسلامی اش کنید. مملکت ما برای اسلام زحمت کشیده است و باید برای اسلام زحمت بکشد و می‌کشد و همه چیزش باید اسلامی بشود.</p>	<p>۳۲</p>
<p>اصلاح دانشگاه از معایب می‌تواند جامعه را رستگار کند.</p>		
<p>سعادت کشور اسلامی در گرو تعامل نهاد دانشگاه و روحانیت است.</p>	<p>شما دانشگاهی‌ها کوشش کنید که انسان درست کنید. اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مؤمن به خدا، اگر این انسان در دانشگاه‌های شما و ما تربیت شد، مملکتتان را نجات می‌دهد. بنابراین، کار، کار بسیار شریف، و مسئولیت، مسئولیت بسیار زیاد. الآن این مسئولیت به دوش ما و شماست. این مسئولیت بزرگ، یعنی سعادت ملت را شما و ما باید بیمه کنیم:</p>	<p>۳۳</p>

	<p>قشر روحانی و قشر دانشگاهی. سعادت ملت را شماها باید بیمه کنید.</p>	
<p>روحانیان باید در راه اعتلای اسلام هزینه کنند و با روحیه انقلابی، از چیزی هراس نداشته باشند.</p>	<p>روحانیت نباید از چیزی بترسد. روحانیت نباید از عربده‌کشی‌ها، وحشی‌گری‌ها و غوغای مشتی رجاله و اراذل وحشت کند. علما و روحانیان باید تا آخرین قطره خون خود را در راه اسلام، در راه قرآن و در راه اعتلای کلمة الله نثار کنند.</p>	<p>۳۴</p>
<p>روحانیان باید مراقب رفتار و اعمال خود باشند.</p>	<p>وظیفه شما این است در هر مقام که هستید وزانت و حیثیت اسلام را حفظ کنید. اگر یک نفر از افراد شما برخلاف زئی خودش عمل کند، جامعه روحانیت را بد معرفی می‌کند. راضی نشوید دیگران که بد معرفی [می]کنند، خودمان هم بد معرفی کنیم.</p>	<p>۳۵</p>
<p>فرهنگ اسلامی مانع فساد و تباهی است.</p>	<p>ثمره دیگر این بحث ارائه تصویری معقول از مقوله اسلامی شدن علوم و دانشگاه‌هاست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همواره یکی از دغدغه‌های دولت و ملت، اسلامی شدن دانشگاه‌ها بوده و هست و در این راه تلاش‌های زیادی نیز صورت پذیرفته است... اسلامی شدن دانشگاه‌ها نیز به آن است که نگاه به محتوای علمی دروس آن‌ها عوض شود و علوم دانشگاهی اسلامی گردد.</p>	<p>۳۶</p>
<p>درونی‌سازی فرهنگ صحیح اسلامی عامل پیشرفت خواهد بود.</p>		
<p>خودسازی و توجه به داشته‌های داخلی اهمیت استقلال فکری را نشان می‌دهد.</p>	<p>باید همه دست به هم بدهیم؛ نویسنده کمک کند به این نهضت؛ گوینده کمک کند به این نهضت؛ روزنامه‌ها کمک کنند به این نهضت. باید فکر این معنا باشند که ما خودمان انسانیم؛ ما خودمان فرهنگ داریم؛ ما خودمان می‌توانیم تربیت و تعلیم کنیم و می‌توانیم کار انجام بدهیم و مشغول بشویم.</p>	<p>۳۷</p>
<p>وابستگی فکری مانع استقلال همه‌جانبه در کشور است.</p>	<p>پس تا این وابستگی هست، ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم. هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، الا اینکه ما خودمان را بشناسیم، که ما خودمان هم فرهنگ داریم؛</p>	<p>۳۸</p>
<p>تا زمانی که استقلال فکری به وجود</p>		

نیاید، کشور به بیگانگان وابسته خواهد بود.	خودمان هم همه چیز داریم؛ و احتیاج به غرب در این امور نداریم.	
وابستگی مغزی عامل وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی است. پیشرفت نظام دینی در گرو استقلال فکری است.	شما اگر بخواهید از همه وابستگی‌ها خارج بشوید، باید این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید. جوان‌های ما هم باید جدیت کنند در این معنا که خودشان را که گم کردند، پیدا بکنند: تا اسم غرب می‌آید، خودشان را نزنند.	۳۹
رشد و آگاهی مردم تأثیر بسیاری در پیشرفت جامعه دارد.	اگر یک ملتی رشد سیاسی داشته باشد، آن روزی که می‌بیند که از چنگال این گرگ‌ها این ملت نجات پیدا کردند، و ممکن است که آن ریشه‌های پوسیده باز به هم پیوند بکنند و اسباب زحمت بشوند برای این ملت، باید همه اینها با هم دست به هم بدهند، دیگر آن ننشیند توی منزلش با الفاظش یا با قلمش یا با مقاله‌اش مطالبی بگوید که برخلاف مسیر ملت است. این دلیل بر این است که ما رشد نداریم. هر چه هم روشن فکر باشیم، لکن رشد سیاسی یک مسئله دیگر است. هر چه هم عالم باشیم، لکن رشد سیاسی یک باب دیگر است.	۴۰
هوشیاری ملت مانع شکست نظام دینی می‌شود.	شما هوشیار باشید که بسیاری از این اشخاصی که بین مردم افتادند و تبلیغات سوء می‌کنند، می‌خواهند این نهضت ما را به شکست برسانند. شما دوستان، شما برادران من آگاه و بیدار باشید و نگذارید اخلاط‌گران بین شما رخنه کنند.	۴۱
همگان باید فعالانه در عرصه سیاست و اجتماع مشارکت داشته باشند.	حرف ما این است که نه روحانی تنها، همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست یک ارثی نیست که مال دولت باشد یا مال مجلس باشد یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش همین وضع آن چیزهایی [است] که در یک کشوری می‌گذرد از حیث اداره آن کشور. همه اهالی این کشور در این معنا حق دارند.	۴۲
برای انجام امور باید به تعهد و	باید کسانی که می‌خواهند یک کاری بکنند، باید فکر	۴۳

<p>تخصص افراد توجه داشت.</p>	<p>این باشند که شایسته این کار هستند یا نه. مسائل مهم است. مسئله دولت، مسئله ریاست‌جمهور، مسئله ریاست مجلس، مسئله قوه قضائیه، وزارت، همه اینها اهمیت دارد. اگر چنانچه انسان دنبال این باشد که حالایی که من رئیس دولت هستم، بروم دنبال رفقای که همراه من هستند، کارآمد باشند یا نباشند، به این کار نداشته باشد، بداند که این کار، کار شیطانی است.</p>	
<p>گزینش دولتمردان باید بر اساس اعتقاد آنان به اسلام باشد.</p>	<p>دولتی که حالا انتخاب خواهد شد، باید افرادی باشند که به اسلام عقیده داشته باشند.</p>	<p>۴۴</p>
<p>حاکمیت قانون اساسی در جامعه تعالی نظام دینی است.</p>	<p>موازن باید موازین الهی باشد، و مملکت یک مملکت اسلامی باشد، قانون اسلام باشد. در اسلام یک چیز حکم می‌کند و آن قانون است.</p>	<p>۴۵</p>
<p>قوانین حکومت باید بر اساس اسلام باشد.</p>	<p>یک جمهوری باشد که قوانینش همان قوانین اسلام باشد. تمام قوانینی که غیر از قانون اسلام است قانون نیست.</p>	<p>۴۶</p>
<p>وحدت کلمه رمز پیروزی نهضت اسلامی است.</p>	<p>رمز این پیروزی وحدت کلمه است. وحدت کلمه ایرانی‌ها، همه اقشار ایران، موجب شد که ابرقدرت‌ها را به زانو درآورد. با حفظ وحدت کلمه تا آخر ان‌شاءالله خواهید رفت.</p>	<p>۴۷</p>
<p>وحدت بین اقشار عامل پیشبرد نهضت و مقابله با دشمنان خارجی است.</p>	<p>ما در این نهضت اخیر آنچه را که می‌توانم بگویم بهترین ثمرات این نهضت است. این وحدتی [است] که حاصل شد بین قشرهای مختلف: دانشگاهی به روحانیین نزدیک شد؛ روحانیین به آنها نزدیک شدند؛ بازاری با همه اینها نزدیک شد؛ دهقان با همه اینها نزدیک شد.</p>	<p>۴۸</p>
<p>همه افراد باید با یکدیگر برای انجام مسئولیت‌ها بکوشند.</p>	<p>اگر شما و ما دست به هم بدهیم و یک جامعه توحیدی، به معنای اینکه همه معتقد به خدا، همه معتقد به اینکه یک وقتی کارها جزا دارد، همه معتقد و مؤمن به همه جهات، اگر ما و شما دست به هم بدهیم و جوان‌ها را</p>	<p>۴۹</p>

	<p>مؤمن، متقی بار بیاوریم، مملکتمان تا آخر احیا می‌شود.</p>	
<p>عدالت از شاخصه‌های نظام اسلامی است.</p>	<p>اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی‌اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه‌اش هم باید عادل باشد: از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر. زمامدار باید عادل باشد؛ ولّاتشان هم باید عادل باشند؛ این ولّاتی که در اسلام می‌فرستادند، والی‌هایی که می‌فرستادند به این طرف و آن طرف، امام جماعتشان هم بود، باید عادل باشد.</p>	<p>۵۰</p>
<p>عدالت منجر به موفقیت همه ارگان‌ها، نهادها و اقدامات نظام می‌شود.</p>	<p>همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید. در اینجا پاسداری این است که این حکومت، حکومت «عدل» باشد، و «پاسداری از عدالت» باشد. پاسداری از عدالت این است که پاسدار خودش موصوف به عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند.</p>	<p>۵۱</p>
<p>جامعه باید پاسدار دین و عدل باشد.</p>		
<p>عدالت در تقابل با ظلم و تعدی قرار دارد.</p>		
<p>محتوای بخش‌های مختلف نظام باید اسلامی باشد.</p>	<p>همه کوشا باشیم به اینکه آن‌طوری که باید و آن‌طوری که لازم است در جمهوری اسلامی ما عمل کنیم.</p>	
<p>محتوای بخش‌های مختلف نظام باید اسلامی باشد.</p>	<p>همچو نباشد که فقط لفظ باشد که ما جمهوری اسلامی هستیم، لکن نه دانشگاه‌هایمان و نه دانش‌سراهایمان و نه دادگاه‌هایمان و نه پاسدارهایمان و نه کمیته‌هایمان، هیچ‌کدام آن معنایی که باید در اسلام باشد در آنها نباشد.</p>	<p>۵۲</p>
<p>ولایت فقیه مانع انحراف امور است و نظارت فقیه عامل سلامت در کارهاست.</p>	<p>ولایت فقیه ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود. نظارت کند بر مجلس؛ بر رئیس‌جمهور که نهاد یک پای خطایی بردارد؛ نظارت کند بر نخست‌وزیر که نهاد یک کار خطایی بکند.</p>	<p>۵۳</p>
<p>با نظارت ولیّ فقیه بر جامعه، به</p>	<p>من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم</p>	<p>۵۴</p>

که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد.	مملکت آسیب وارد نخواهد شد.
--	----------------------------

تبدیل مضامین اولیه به مضامین فراگیر

در این بخش، کدهای عام و مضامین پایه که از بیانات امام خمینی علیه السلام استخراج شدند، به مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده تبدیل می‌شوند تا بستر توصیف شبکه مضامین فراهم شود.

جدول شماره ۲. تبدیل مضامین پایه به مضامین فراگیر

مضامین پایه	مضامین فراگیر	ردیف	
قرآن کریم برای تمام جنبه‌های زندگی برنامه دارد.	استعانت از قرآن کریم	۱	
باید قرآن از مهجوریت خارج شود.		۲	
باید آموزه‌های دینی به‌خوبی ترویج شود.	معرفی و نشر آموزه‌های دینی	۳	
باید اسلام راستین را شناسایی کرد و ملت را بیدار ساخت.		۴	
جامعه برای تحول نیازمند پابندی به معنویات است.	پابندی به معنویات	۵	
حفظ معنویت باید در همه نهادها و ارگان‌های حکومت رعایت شود.		۶	
قدرت ایمان عامل بسیج عمومی ملت در برابر دشمنان اسلام است.	خودباوری و اتکا به داشته‌های ملی و دینی	۷	
خودباوری و اتکا به درون جامعه لازمه پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.		۸	
خودباوری رمز از بین بردن دشمنان اسلام است.		۹	
امید به خدا و ایمان به وعده‌های الهی عامل پیروزی بر دشمنان است.		۱۰	
تحول روحی و درک شخصیت فردی و جمعی لازمه تعالی است.	تحول روحی و معنوی	۱۱	
فرهنگ اسلامی توانمندی لازم برای اصلاح امور را دارد و این تحول در برابر غرب، عامل موفقیت است.		۱۲	
تحول درونی گام نخست در مسیر پیشرفت‌هاست.		۱۳	
تحول روحی عامل نابودی استبداد و ظالم در نظام دینی است.		۱۴	
تحول روحی عامل شکل‌گیری انسان مجاهد انقلابی و اسلامی است.		۱۵	
تحول روحی لازمه تعالی ارزش‌های انسانی در جامعه دینی است.		۱۶	
انقلاب درونی و خودسازی عامل پیروزی نهضت اسلامی ملت ایران شد.		۱۷	
تحول عمومی عامل پیروزی جریان حق بر باطل خواهد بود.		۱۸	
تحجیرگرایان در حوزه‌های علمیه نفوذ کرده‌اند.		دوری از تحجیر	۱۹
جریان نفوذ توسط افراد منافق در حوزه‌های علمیه عامل فشار بر جریان اسلام ناب است.			۲۰
مقدس‌مآبان و نفاق عامل شکست نظام دینی است.	۲۱		
نفاق عامل خیانت به نظام اسلامی است.	۲۲		

دوری از هواهای نفسانی	سازندگی روحی و معنوی از ملزومات سازندگی مادی و اجتماعی است.	۲۳
	اصلاح جامعه در نخستین مرحله به اصلاح فردی و جهاد با نفس نیاز دارد.	۲۴
	قیام برای خداوند و مقابله با هوای نفسانی نیازمند خودسازی است.	۲۵
قیام لله و اخلاص	افراد برای توسعه فردی نیاز به قیام لله دارند و باید از طریق پاک‌سازی خود، قوام فردی و جمعی را تضمین کنند.	۲۶
	انحراف از نهضت دینی و بی‌توجهی به قیام لله عامل شکست نهضت دینی می‌شود.	۲۷
	نهضت اسلامی تأکید بر حضور اسلام در همه بخش‌های اجتماع و حکومت دارد.	۲۸
	اخلاص در پیوند با وحدت عامل پیشرفت روزافزون نظام دینی است.	۲۹
	باید به احکام و فرمان‌های اسلام در بخش‌های مختلف حکومت احترام گذاشت.	۳۰
	تربیت گام نخست در اصلاح جامعه است.	۳۱
تربیت صحیح انسانی اسلامی	دوری از تربیت دینی و انسانی عامل دور شدن جامعه از اهداف و آرمان‌هاست.	۳۲
	تربیت الهی-انسانی لازمه سعادت فرد و اجتماع است.	۳۳
	تربیت قرآنی لازمه تعالی نظام اسلامی است.	۳۴
	تربیت صحیح موجب کمال افراد خواهد بود.	۳۵
	اصلاح فرهنگ برای تعالی جامعه اسلامی لازم است.	۳۶
اصلاح و ترمیم فرهنگ	ترمیم فرهنگ عمومی جامعه در بخش‌های گوناگون به پیشرفت دین کمک شایانی می‌کند.	۳۷
	امر به معروف و نهی از منکر مورد تأکید زیاد در فرهنگ اسلامی است.	۳۸
رونق امر به معروف و نهی از منکر	امر به معروف و نهی از منکر به مثابه اصلی راهبردی بر همگان واجب است.	۳۹
	جلوگیری از فساد در جامعه امری لازم است.	۴۰
	امر به معروف و نهی از منکر حتی در دستگاه‌های اجرایی هم اصلی لازم است.	۴۱
	اسلامی‌سازی از ملزومات تشکیل جامعه دینی است.	۴۲
صیانت از ظواهر اسلامی	ظواهر اسلام باید در نهادها و مراکز گوناگون جامعه مورد توجه باشد.	۴۳
	دانشگاه مبدأ تحولات معنوی و مادی در جامعه است.	۴۴
	اصلاح دانشگاه از معایب، می‌تواند جامعه را رستگار کند.	۴۵
	سعادت کشور اسلامی در گرو تعامل نهاد دانشگاه و روحانیت است.	۴۶
	روحانیان باید در راه اعتلای اسلام هزینه کنند و با روحیه انقلابی، از چیزی هراس نداشته باشند.	۴۷
فعالیت انقلابی روحانیان	روحانیان باید مراقب رفتار و اعمال خود باشند.	۴۸
	اصلاح دانشگاه برای جامعه اسلامی لازم است.	۴۹
اسلامی‌سازی دانشگاه	دانشگاه می‌تواند مصالح ایران و اسلام را تأمین کند.	۵۰
	فرهنگ اسلامی مانع فساد و تباهی است.	۵۱
درونی‌سازی فرهنگ		

اسلامی	درونی‌سازی فرهنگ صحیح اسلامی عامل پیشرفت خواهد بود.	۵۲
استقلال فکری	خودسازی و توجه به داشته‌های داخلی اهمیت استقلال فکری را نشان می‌دهد.	۵۳
	وابستگی فکری مانع استقلال همه‌جانبه در کشور است.	۵۴
	تا زمانی که استقلال فکری به‌وجود نیاید، کشور به بیگانگان وابسته خواهد بود.	۵۵
	وابستگی مغزی عامل وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی است.	۵۶
	پیشرفت نظام دینی در گرو استقلال فکری است.	۵۷
رشد آگاهی و بصیرت	رشد و آگاهی مردم تأثیر بسیاری در پیشرفت جامعه دارد.	۵۸
	هوشیاری ملت مانع شکست نظام دینی می‌شود.	۵۹
مشارکت فعالانه همگانی	همگان باید فعالانه در عرصه سیاست و اجتماع مشارکت داشته باشند.	۶۰
	برای انجام امور باید به تعهد و تخصص افراد توجه داشت.	۶۱
	گزینش دولتمردان باید بر اساس اعتقاد آنها به اسلام باشد.	۶۲
حاکمیت قانون	حاکمیت قانون اساسی در جامعه باعث تعالی نظام دینی است.	۶۳
	قوانین حکومت باید بر اساس اسلام باشد.	۶۴
وحدت در بین نخبگان	وحدت کلمه رمز پیروزی نهضت اسلامی است.	۶۵
	وحدت بین اقشار عامل پیشبرد نهضت و مقابله با دشمنان خارجی است.	۶۶
	همه افراد باید با یکدیگر برای انجام مسئولیت‌ها بکوشند.	۶۷
برپایی عدالت همه‌جانبه	عدالت از شاخصه‌های نظام اسلامی است.	۶۸
	عدالت منجر به موفقیت همه ارگان‌ها، نهادها و اقدامات نظام می‌شود.	۶۹
	جامعه باید پاسدار دین و عدل باشد.	۷۰
	عدالت در تقابل با ظلم و تعدی قرار دارد.	۷۱
	محتوای بخش‌های گوناگون نظام باید اسلامی باشد.	۷۲
	دوری از محتوای اسلامی عامل ضرر و زیان برای امت و جامعه اسلامی خواهد بود.	۷۳
کارکرد ولی فقیه	ولایت فقیه مانع انحراف امور است و نظارت فقیه عامل سلامت در کارهاست.	۷۴
	با نظارت ولی فقیه، آسیب به مملکت وارد نخواهد شد.	۷۵

کشف و توصیف شبکه مضامین

در این بخش، ضمن ارائه شبکه مضامین موانع عرفی شدن در اندیشه امام خمینی علیه السلام، کدهای مستخرج از متون ایشان بررسی خواهد شد.

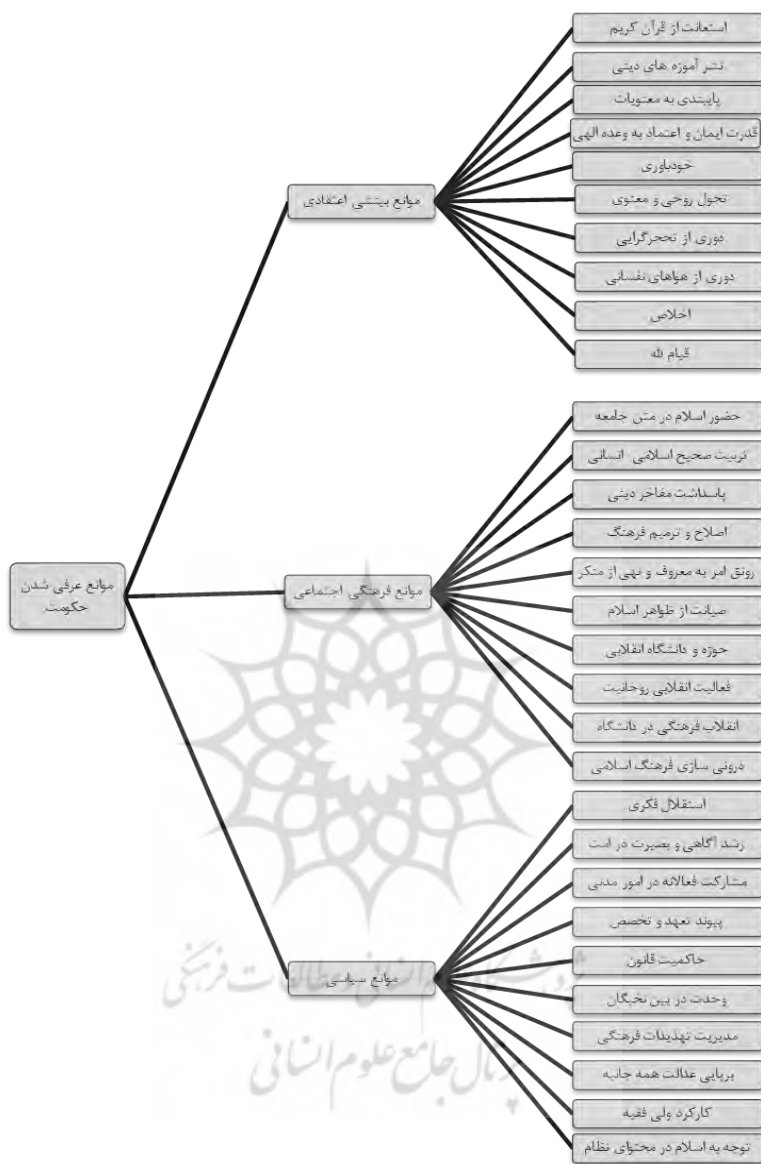
جدول شماره ۳. موانع عرفی شدن نظام سیاسی اسلام

از نگاه امام خمینی علیه السلام

موانع	کدها و مضامین سازمان‌دهنده	ردیف
بینشی-اعتقادی	استعانت از قرآن کریم	۱

	نشر آموزه‌های دینی	۲
	پابندی به معنویات	۳
	قدرت ایمان و اعتماد به وعده الهی	۴
	تحول روحی و معنوی	۵
	دوری از تحجر	۶
	دوری از هواهای نفسانی	۷
	قیام لله و اخلاص	۸
فرهنگی-اجتماعی	اصلاح و ترمیم فرهنگ	۹
	روثق امر به معروف و نهی از منکر	۱۰
	صیانت از ظواهر اسلام	۱۱
	فعالیت انقلابی روحانیان	۱۲
	اسلامی سازی دانشگاه	۱۳
	درونی سازی فرهنگ اسلامی	۱۴
سیاسی	استقلال فکری	۱۵
	رشد آگاهی و بصیرت	۱۶
	مشارکت فعالانه همگانی	۱۷
	حاکمیت قانون	۱۸
	وحدت در بین نخبگان	۱۹
	برپایی عدالت همه جانبه	۲۰
	کارکرد ولی فقیه	۲۱

پس از نیل به مضامین پایه و استخراج مضامین فراگیر از مضامین استنباطی پایه و ترسیم جدول جهت نمایش دادن انسجام بین موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام در قالب‌های بینشی-اعتقادی، فرهنگی-اجتماعی و سیاسی، در انتها شبکه مضامین که نشان‌دهنده مسیر تحلیل مضمون می‌باشد ترسیم شده است:



نمودار شماره ۱. شبکه مضامین موانع عرفی شدن نظام سیاسی اسلام

در اندیشه امام خمینی *

نتیجه‌گیری

اندیشه امام خمینی * در بستر مبانی و آموزه‌های اسلامی شکل گرفته و رشد یافته است. از

نگاه امام^ع، دین اسلام دین جامع و کاملی است که صرفاً در بعد عبادی و معنوی محدود نمی‌شود، بلکه برای زندگی انسان برنامه دارد. به باور ایشان، حتی مسائل معنوی و عبادی اسلام نیز رویکرد سیاسی دارند و عبادی صرف نیستند. از نگاه امام^ع، بین دین و سیاست افتراقی وجود ندارد. همچنین، در مبانی اسلامی و روایان اسلام که پیامبر و چهارده معصوم^ع هستند، نقضی وجود ندارد و اگر اسلام دچار انحطاط می‌شود، به سبب عملکرد مسلمانان است. به عبارت دیگر، بینش و معرفت ناقص جامعه اسلامی باعث ظهور و نشر انحطاط در امت اسلامی می‌شود. در باور امام^ع، سیاست در سه محور قابل تقسیم است که عبارت‌اند از: سیاست اسلامی، حیوانی و شیطانی. سیاست زمانی با دین ناسازگار می‌شود که از رویکرد اسلامی خارج شود و در روند حیوانی و شیطانی قرار گیرد. بر اساس بیانات امام خمینی^ع، کوتاهی مسلمانان و نفوذ استعمارگران باعث ظهور عوامل عرفی در نظام سیاسی می‌شود، که می‌توان آن را در مواردی مانند تفرقه و اختلاف، عدم معرفت صحیح به اسلام و خودباختگی و وابستگی فکری و عملی بررسی کرد. در قبال عوامل و زمینه‌های عرفی شدن نظام سیاسی، موانعی نیز مانند خودباوری، بینش صحیح به اسلام، استقلال فکری و حضور انقلابی روحانیان جهت صیانت از نظام سیاسی دینی در اندیشه حضرت امام^ع مطرح شده است. در مجموع، در اندیشه حضرت امام^ع بینش ناقص و در مواردی منحرف از اسلام باعث می‌شود روند عرفی‌گرایی در جامعه شکل بگیرد. راهکار در قبال این مسئله شناخت صحیح اسلام و تحقق احکام و آموزه‌های اسلامی است.

در این پژوهش، تلاش شد با روش منسجم تحلیل مضمون در ابتدای کار مضامین پایه از متن اصلی استخراج، و بعد مفاهیم استنباط‌شده در باب موانع عرفی شدن نظام سیاسی اسلام به مضامین فراگیر تبدیل شود و سپس جهت شفاف‌سازی روند مقاله جدولی طراحی و نشان داده شد که می‌توان بر اساس سه الگوی بینشی-اعتقادی، فرهنگی-اجتماعی و سیاسی روند تحلیل مضمون را واکاوی کرد و در انتها نیز روند کلی روش تحلیل مضمون در شبکه مضامین طراحی شد و موانع عرفی شدن نظام سیاسی در اسلام همچون دوری از تحجر، تفسیر دقیق اسلام، معرفت صحیح به اسلام و استعانت از قرآن کریم در اندیشه امام خمینی^ع بررسی شد.

پیشنهادها

به‌کارگیری تئوری و عملی موانع و عوامل عرفی شدن نظام سیاسی در اندیشه متفکران مسلمان به‌خصوص متفکران شیعه در سطح جهان اسلام جهت صیانت امت اسلامی از انزوای دین؛

تشکیل کارگاه‌های تخصصی دین‌شناسی جهت آگاهی‌دهی به جهان اسلام؛
برگزاری همایش‌های متناسب با موضوع عوامل و موانع عرفی شدن حکومت اسلامی و به‌کارگیری مقالات سطح بالا در سطوح مسئولیتی نظام جمهوری اسلامی؛
شکل‌گیری نهادهای مرتبط با موضوع دین‌شناسی و فعالیت‌های چشمگیر و دغدغه‌مند در آنها.

کتابنامه

- پرتو، فتح‌الله و مهدی فیض (۱۳۹۵). «نسبت‌سنجی تبحر و گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ع)»، اسلام (همایش بین‌المللی گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ع) و جهان معاصر)، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- حسینی، سیدمحمدصادق (۱۳۸۹). درآمدی بر اسلام ناب: با نگاهی به اندیشه‌های امام خمینی (ع)، تهران: انتشارات عروج.
- حسینی، مریم‌السادات (۱۳۹۲). اندیشه سیاسی امام خمینی (ع)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۰). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- درخشه، جلال (۱۳۹۰). «بازسازی اندیشه دینی در ایران معاصر و تأثیر آن بر بازیابی تمدن اسلامی»، برگرفته از: همایش آفاق تمدنی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق .
- درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۴). «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (ع)»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ششم، ش ۱۷، پاییز، ص ۵۳-۷۲.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۱). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ع)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۹۵). «مبانی عرفانی اندیشه سیاسی امام خمینی (ع)»، اسلام (همایش بین‌المللی گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ع) و جهان معاصر)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

- سمیعی اصفهانی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۴). «بازشناسی ابعاد، مؤلفه‌ها و تهدیدات هویت ایرانی-اسلامی از منظر امام خمینی^ع و مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۴۲، ص ۲۷-۴۴.
- صباغ جدید، جواد (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی؛ جنبشی معطوف به ارزش، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صدرا، علیرضا و مسلم کرم‌زادی (۱۳۸۸). «بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه امام خمینی^ع»، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۳.
- طاهری بنچناری، میثم (۱۳۸۸). فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی^ع، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم، احمدوند، ولی محمد (۱۳۸۸). دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) درباره مبانی سکولاریسم، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۶.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی امام خمینی^ع، تهران: دفتر نشر معارف.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام (بیست و یک جلدی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^ع.
- ناصری، علی اکبر (۱۳۸۹). «تقریری نو از دلایل آمیختگی دین و سیاست از منظر امام خمینی^ع»، حکومت اسلامی، ش ۵۸، ص ۱۷۷-۲۰۸.
- نوروزی، رسول و مجتبی عبدخدایی (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی و هویت‌یابی تمدنی در ترکیه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۰، ص ۱۳۵-۱۵۴.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۱). فلسفه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی ایران؛ انقلاب بازگشت به سوی خدا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع.
- نوزانی، بهرام (۱۳۸۸). صدور انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی^ع و انقلاب اسلامی.
- ورعی، سیدجواد (۱۳۷۸). امام خمینی^ع و احیای تفکر اسلامی، تهران: انتشارات عروج.
- وقوفی، امید و جواد حق‌گو (۱۳۹۳). «اندیشه امام خمینی^ع و غیریت‌سازی از گفتمان حاکم بر روابط بین‌الملل»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۲، ص ۲۵۳-۲۷۶.
- یوسفی فخر، سیدحسین (۱۳۸۹). سیاست و اجتهاد در اندیشه غزالی و امام خمینی^ع، تهران: نشر عروج.
- یوسفی فخر، سیدحسین (۱۳۹۷). ویژگی‌های اسلام ناب در آئینه اندیشه امام خمینی^ع، پرتال امام خمینی^ع.